

Oil Revenues and its Controversial Effects on Economic Growth and Development in Iran and Norway

Ahmad Rashidi ^{1*} – SeyedSaleh Mousavi ²

Abstract

Oil as the main power source in economic and politics play an important role in political and economic changes in oil governments and in one of the most important factors of power. But it should be said that just owning oil in any case, will not cause economic growth and development. So, in this research, by comparison investigation of oil role in Norway and Iran economic, we will answer to this question that why oil income has not led to economic development in Iran but in Norway it has made economic development? The hypothesis in the answer to this question which be examined in the context of this article is that differences in oil income management and policy making between Iran and Norway is the main reason of their differences in economic development. Research findings demonstrate that National dependence of Iran to petroleum and spending oil in line with government revenues and spending of current government have different consequences. On the contrary of Iran, Norway instead of emphasizing natural assets, focused on human development and use petroleum wealth as a support and development engine and by preventing the entry of oil revenues to the current state budget and saving it in foreign exchange reserves and by excellent management try to invest outside of the country and by avoiding turning the country and government into a rentier state, use this blessing in light of improving economical, political, social and cultural programs.

Keywords: Development, Dutch Disease, Oil, Norway, Rentier State.

1. *Associate Professor, Dpt. Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
Corresponding Author: (a.rashidi@umz.ac.ir).

2. M. A of Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.



درآمدهای نفتی و آثار متعارض آن بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و نروژ

احمد رشیدی^{۱*} - سید صالح موسوی^۲

چکیده

نفت به‌عنوان اصلی‌ترین منبع قدرت اقتصادی و سیاسی همواره در تحولات سیاسی و اجتماعی دولت‌های نفتی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است. در مقاله حاضر با بررسی مقایسه‌ای نقش نفت در اقتصاد ایران و نروژ در پی پاسخ به این پرسش هستیم که چرا درآمدهای نفتی در ایران منجر به توسعه اقتصادی نشده، اما در نروژ، پیشران توسعه اقتصادی بوده است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سوال در چارچوب مقاله حاضر مورد آزمون قرار گرفته عبارت از این است که تفاوت در سیاستگذاری و مدیریت درآمدهای نفتی بین ایران و نروژ علت آثار متفاوت آن درآمدها در توسعه اقتصادی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد وابستگی ملی ایران به نفت و هزینه کردن درآمدهای ناشی از آن در چارچوب بودجه و هزینه‌های جاری منجر به پیامدهای ضد توسعه در ایران شده است. برعکس، در نروژ، به جای تاکید بر سرمایه‌ها یا منابع طبیعی، بر توسعه سرمایه‌های انسانی تاکید شده و از ثروت نفت به‌عنوان پشتوانه و موتور توسعه بهره گرفته شده است. در نروژ با جلوگیری از ورود درآمدهای نفتی به بودجه جاری و ذخیره نمودن آن در صندوق ذخیره ارزی و با مدیریت هوشمندانه، اقدام به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور صورت پذیرفته است و ضمن جلوگیری از تبدیل کشور و دولت به دولتی رانتیر، از این نعمت در مسیر پیشبرد برنامه‌های توسعه کشور استفاده شده است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، بیماری هلندی، نفت، نروژ، دولت رانتیر.

۱. *دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده مسئول:

(a.rashidi@umz.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

مقدمه

دستیابی به توسعه اقتصادی یکی از مهمترین اهداف دولتهاست و این فرصت برای کشورهایی که دارای منابع طبیعی هستند، بیشتر فراهم است. ایران به‌عنوان چهارمین کشور نفت خیز جهان در صورت مدیریت صحیح عواید نفتی، می‌تواند به توسعه اقتصادی دست یابد، حال آن که چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب، عدم مدیریت صحیح نه‌تنها منجر به توسعه اقتصادی نشده، بلکه وابستگی بیش از پیش به درآمدهای نفتی را به ارمغان آورده است و موجب شده تا در صورت افت قیمت نفت از یک سو بودجه‌ی دولت با چالش مواجه و در طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی و مالی دولت خلل ایجاد شود و از سوی دیگر گرانی و تورم که یکی دیگر از پیامدهای اصلی کاهش درآمدهای نفتی است را بر دوش افراد جامعه بار کند.

بدون شک وابستگی اقتصاد ایران به نفت، یک اشکال اساسی است. درآمدهای حاصل از فروش نفت باید صرف توسعه اقتصادی کشور و نه تحقق بودجه سالانه شود. از این منظر، متأسفانه بودجه کشور نه‌تنها یک بودجه غیرتوسعه‌ای، بلکه در مواردی حتی ضدتوسعه‌ای بوده است. اولین بار پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۵ بعد از شوک سوم نفتی و کاهش ۵۸ درصدی عواید آن، نیاز جدا شدن از اقتصاد تک محصولی مبتنی بر نفت برای رهبران جمهوری اسلامی احساس شد، لذا پس از خاتمه جنگ و در آغاز برنامه‌ی اول توسعه مسئله‌ی فوق به مسئله‌ای اصلی برای نظام تبدیل شده بود. این اتکا به نفت در بسیاری از موارد نه‌تنها فرصت، بلکه تهدیدی اقتصادی برای نظام است؛ به ویژه در سطح بین‌الملل، قدرتهای بزرگ ازجمله آمریکا، همواره از نفت به‌عنوان اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌اند (حشمت زاده، ۱۳۷۹: ۲۷).

در مقابل آسیب‌پذیری اقتصاد ایران و سایر کشورهای خاورمیانه به دلیل اتکا به صادرات نفت، کشور نروژ نمونه متفاوتی است. این کشور به‌عنوان یک کشور نفت خیز اروپایی هرگز بیش از ۴ درصد از درآمدهای نفتی خود را در بودجه جاری استفاده نمی‌کند و مابقی درآمدهای خود را در حساب ذخیره ارزی با نام صندوق دولتی نفت، پس انداز می‌کند. علی‌رغم این که ارزش صادرات نفت خام، گاز طبیعی و میعانات گازی این کشور در سال ۲۰۱۶ حدود ۱,۳۹۵,۰۰۰ بشکه در روز بوده است اما می‌توان از کشور نروژ به‌عنوان یک کشور غیر نفتی یاد کرد. زیرا که این کشور در بودجه‌های

جاری خود از این درآمدها استفاده نمی کند. و درآمدهای نفتی در صندوق بازنشستگی دولت پس انداز شده است.

بررسی سیاست‌ها و قوانین دولت‌های نروژ و ایران در حوزه‌ی نفت می‌تواند روشن کند که نروژ چطور توانسته از تأثیر منفی نوسانات قیمت نفت بر اقتصاد داخلی پیشگیری کند، اما کشور ایران کماکان از وابستگی به اقتصاد نفتی رنج می‌برد و سیاست‌های دولت‌های پیشین و فعلی، کشور را از دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی محروم کرده است.

این مقاله در نظر دارد از یک سو نحوه‌ی هزینه‌کرد درآمدهای نفتی در کشور ایران را از برنامه‌ی اول توسعه پس از انقلاب (۱۳۶۸) تا سال (۱۳۹۷) تشریح و نتایج آن را بررسی کند و از سوی دیگر نحوه‌ی مدیریت آن را در نروژ از (۱۹۸۹) تحلیل و با مدل مدیریتی ایران مقایسه کند. سؤال اصلی مقاله این است که نروژ با چه سازوکاری توانسته عواید نفتی را مدیریت کند تا منتج به توسعه‌ی اقتصادی شود و چرا درآمدهای حاصل از فروش نفت باعث توسعه اقتصادی ایران نشده است؟

۱- مبانی نظری پژوهش: دولت رانتیر و بیماری هلندی

برای اولین بار واژه دولت رانتیر در اروپا و در قرن ۱۹ در ادبیات اقتصاددانانی مانند آدام اسمیت، دیوید ریکاردو و کارل مارکس مطرح شد. اما بعد از جنگ دوم جهانی و با شرایط جدید بین المللی تعدادی از دانشمندان علوم اجتماعی مانند فیلیپ راکینز، دیوید پیرس، حازم بیلای و جیالو لوسیانی به بررسی ایجاد ماهیت دولت‌ها و بویژه دولت‌های خاورمیانه و تک محصولی سخن از دولت رانتی به میان آوردند (توسلیان، ۱۳۹۳: ۲۶).

تعریفی که از دولت رانتیر شده است به این صورت می‌باشد: هر دولتی که قسمت عمده‌ی درآمد خود را از منابع خارجی به شکل رانت دریافت کند. به عبارتی دولتی رانتیر است که به دلایل خاص دارای این ویژگی است که به طور مستقیم، دریافت کننده درآمد حاصل از فروش کالاها و خدمات با قیمت‌های بسیار بالا از هزینه‌ی تولید آنها می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۵). بنابراین اقتصاد رانتی به منابع طبیعی بدون نیاز به توجه به توسعه آن وابسته است. نمونه‌هایی از این منابع عبارتند از: مواد معدنی، آب، نفت و گاز. اقتصاد رانت ساز به عنوان اقتصادی تعریف می‌شود که مربوط به حفظ فعالیت‌هایی است که درآمد حاصل از فروش ثروت رانتینگ را فراهم می‌آورند، اما این فعالیت‌ها به

ارائه یک تصویر روشن از وضعیت اقتصادی موجود در دولت و دیگر تعاریف اقتصاد رانت‌گرایی وابستگی یک دولت در اقتصاد آن به منبع طبیعی استخراج شده از زمین است، اقتصاد به وابستگی به مبادلات تجاری منتهی می‌شود که منجر به ظهور جامعه مصرف‌کننده در ارتباط با واردات می‌شود و این نوع از اقتصاد مربوط به کشاورزی نیست (Shatha Khalil, 2018).

تعداد قابل توجهی از کشورها وجود دارند که اقتصادهای آنها به صادرات منابع طبیعی ذکر شده بستگی دارد. با این حال در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که دارای منابع طبیعی هستند، وابستگی به درآمد حاصل از آنها باعث بروز و شدت در اقتصاد این کشورها شده است و همین باعث به خطر افتادن سیستم سیاسی و اقتصادی این کشورها در میان مدت و بلند مدت شده است (Kaya & et al. 2019: 2).

در اقتصاد سیاسی، اقتصاد رانت‌گرایی، جزء اقتصادهایی است که درآمد آنها وابسته به یک بخش واحد است و اگر این درآمد منحصر به خزانه دولت سپرده شود، دولت‌ها به‌عنوان دولت رانت‌دهنده نامیده می‌شوند. از آنجایی که دولت‌های زیادی وجود دارند که منبع اصلی درآمد آنها منابع نفتی است، به‌طور کلی، دولت‌های تک محصول محصول نفتی و یا دولت‌هایی که بیش از ۴۲ درصد از درآمد خارجی خود را از نفت به‌دست می‌آورند، دولت‌های رانت‌دهنده نامیده می‌شوند. با وجودی که این دولت‌ها کم و بیش در سراسر جهان پراکنده اند، اما بیشتر آنها در خاورمیانه و به ویژه کشورهای خلیج فارس قرار دارند. اولاً، دولت‌های رانتی از لحاظ اقتصادی وابسته به یک محصول واحد هستند، به این دلیل که آنها در ساختار اقتصادی خود تنوعی ندارند و از این رو واجد شرایط یک بعدی بودن هستند. ثانیاً، به‌عنوان نتیجه بحران‌های مالی دوره‌ای هستند که تحت تاثیر قیمت نفت است. ثالثاً، اکثر این کشورها به‌طورکلی بیماری هلندی یا عدم تقارن در بخش‌های اقتصادی را تجربه کرده‌اند (Adib Bazgir, 2018).

از دیدگاه حازم ببلای و لوسیانی دولت رانتی دولتی است که رانت‌های خارجی را به‌طور منظم و به مقدار زیاد دریافت می‌کند. ببلای عقیده دارد هر دولتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدش از رانت خارجی باشد، دولت رانتی است. از نظر آنها رانت هیچ گونه ارتباطی با فرایندهای تولید در اقتصاد داخلی کشور ندارد. (ببلای و لوسیانی^۱، ۱۹۹۰: ۸۸-۸۷)

1- Beblawi and Luciani

و اما ویژگی‌های اقتصاد رانت‌ساز:

دولت رانتهای متکی به رانتهای خارجی می‌باشد به طوری که اقتصاد محلی به یک بخش تولیدی قوی نیاز ندارد.

نیروی کار درگیر در دستیابی به رانت درصد کمی از کل نیروی کار را تشکیل می‌دهد. حکومت در دولت رانتیر دریافت کننده اصلی رانت خارجی است. دولت کارفرمای اصلی مردم است که این مسئله، ظهور جامعه مدنی فعال را دشوار می‌سازد و انگیزه‌ای برای پیشرفت در جهت دموکراسی وجود ندارد.

در اینجا دولت دیگر نگران فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد یک وضعیت رشد اقتصادی پایدار نیست چرا که دولت در اینجا براساس مالیات در تامین بودجه نیست (ShathaKhalil, 2018).

رانت نفتی به این صورت تعریف شده است که از لحاظ اقتصادی بین قیمت‌های نفت در بازار و همچنین اختلاف بین هزینه‌های تولید نفت. پیدایش نفت و استخراج آن در حجم انبوه رانت نفتی بر رانت ارضی اولویت یافت. رانت نفتی در راس درآمدهای دولت قرار گرفته که دولت به هر شکلی این رانت را به بخش‌های دیگر جامعه و یا هر یک از بخش‌های اقتصاد دولتی و یا غیر دولتی توزیع کند. به طوری که رانت نفتی عامل بسیاری از نوسانات سیاسی و اقتصادی در کشور و یکی از مهمترین فاکتورهای توسعه نامتعادل اقتصادی و سیاسی می‌باشد. با توجه به اینکه درآمدهای نفتی بادآورده بسیار زیاد می‌باشند، دولت نیازی به ایجاد مدیریت منظم اقتصاد ندارد (نجفی، ۱۳۸۴، ۳۹).

بنابراین می‌توان گفت که اکثر کشورهای تولید کننده و صادر کننده نفت، دولت‌های رانتیر هستند، زیرا رانت خارجی در این کشورها مستقیماً به خزانه دولت می‌رود و سهم آن در درآمدهای دولت بیش از ۴۲ درصد است. بر اساس این تعریف، رانتیرسم نیز شامل شیوه رفتار و حکومت دولت رانتیر است. این شیوه سیاست و حکومت دارای دربرگیرنده دو ویژگی اساسی است. اول اینکه رانت در کنترل نخبگان حاکم است و دوم اینکه نخبگان حاکم از این رانت برای جلب همکاری و کنترل جامعه استفاده می‌کنند تا در نتیجه ثبات سیاسی دولت را حفظ کنند (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

در دولت‌های رانتیر، پدیده‌ای به نام بیماری هلندی وجود دارد. این بیماری نخستین بار در کشور هلند و در سال ۱۹۶۰ اتفاق افتاد. بیماری هلندی به این شکل روی می‌دهد که با افزایش قیمت نفت و افزایش درآمدهای نفتی حاصل از صادرات نفت، ثروت یک کشور زیاد شده و این افزایش ثروت، رشد بخش غیرقابل مبادله اقتصاد و تضعیف بخش قابل مبادله اقتصاد را در پی دارد (تهرانی، ۱۳۸۴: ۶۵).

این سیاست در مدت کوتاهی منجر به عدم رشد قیمت بعضی کالاها می‌شود اما قیمت زمین و مسکن که اقلام وارداتی نیستند، رشد زیادی دارد. این وضعیت را در علم اقتصاد، اثر مصرفی می‌نامند. در این راستا اگر سیستم ارز شناور در کشور وجود داشته باشد، افزایش عرضه پول موجب افزایش ارزش اسمی پول کشور شده ولی ارزش واقعی آن همچنان کم می‌شود و در نهایت وضعیتی مشابه وضعیت توصیف شده در بالا در اقتصاد ایجاد می‌شود. پیشگیری از بیماری هلندی یک ضرورت انکار ناپذیر در اقتصاد کشورهای سرشار از منابع نفتی، شامل نفت و گاز می‌باشد.

نروژ از بهترین نمونه‌ها در این مورد است که همچنان در پی ایجاد مکانیزم و سازوکارهایی برای کنترل این پدیده است. سیاستگذاران اقتصادی نروژ از سرگذشت هلندی‌ها درسی را آموختند که با تاسیس صندوق ذخیره ارزی به جای تلفیق بودجه سنواتی با درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، از ابتلا به بیماری هلندی دور ماندند. درآمد نفتی همواره نقش اساسی در اقتصاد سیاسی ایران در طول ۸۰ سال گذشته ایفا کرده است. چه قبل از انقلاب که تخصیص و توزیع این درآمدها در اختیار دولت بود و مشکلات و بحران‌های اقتصادی شدیدی مانند تورم، عدم کارایی، فساد و مصرف گرایی را بدنبال داشت و چه بعد انقلاب که نفت به‌عنوان پشتوانه مالی محکمی برای اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی دولت بوده است. می‌توان گفت بخش عظیمی از اقتصاد ایران همچنان تحت تاثیر پدیده رانت می‌باشد زیرا درآمدهای بادآورده نفتی در جمهوری اسلامی نیز به‌عنوان مهمترین منبع درآمد دولت به حساب می‌آیند (توسلیان، ۱۳۹۳: ۹۵). به‌طوری که می‌توان گفت ایران در دهه‌های اخیر همواره گرفتار بیماری هلندی بوده است و در این گیرودار ضمن افزایش بیکاری، کاهش ارزش پول نیز رخ داده است؛ به طوری که بازرگانان برای ادامه فعالیت خود با مشکلات بیشتری روبرو شدند. روش‌ها و راهکارهای مقابله با این معضل در جامعه ایران شامل عدم استفاده از درآمدهای نفتی در بودجه و سرمایه گذاری آن، شناور نگه داشتن نرخ ارز (نرخ ارز باید سالانه به اندازه تورم افزایش یابد) و تعیین هزینه‌های دولت به اندازه درآمدهای مالیاتی دولت می‌باشد.

بنابراین، به روشنی می‌توان دریافت که ایران در مسیر استفاده از درآمدهای نفتی به بیماری هلندی مبتلا شده است. بیماری که در کشورهای متکی بر درآمدهای نفتی ظاهر می‌شود. اما در این میان کشور نروژ توانسته است با کاربری سیاست‌های درست در راستای استفاده از درآمدهای نفتی، این بیماری را پشت سر گذاشته و به توسعه پایدار اقتصادی برسد.

۲- سهم نفت در اقتصاد ایران

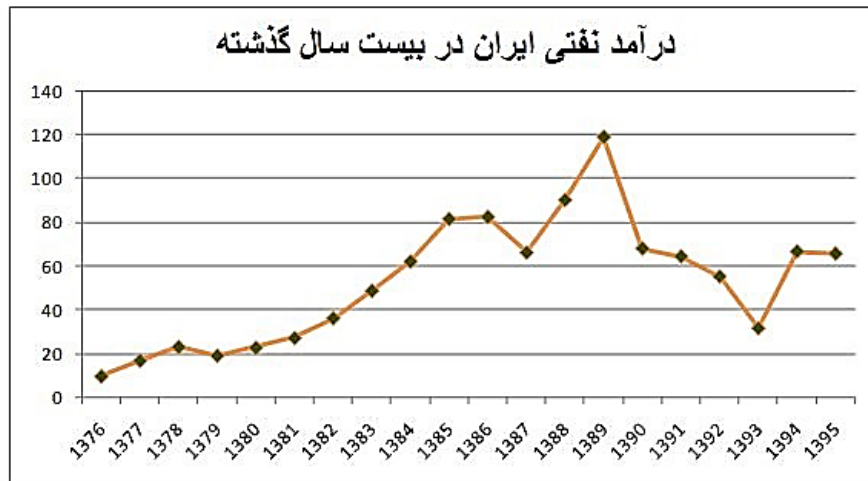
گرچه نفت در ایران برای مدت طولانی استخراج شده است اما اهمیت و نقش آن در توسعه اقتصاد ایران نسبتاً از سال‌های دهه ۱۹۶۰ نمایان‌تر می‌شود. با چهار برابر شدن قیمت نفت، وابستگی کشورها به درآمد نفتی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است که با نوسانات شدید بین‌المللی قیمت نفت همخوانی دارد (Pesaran & Kamilar, 2013: 5). اقتصاد ایران به‌عنوان یک کشور نفتی شناخته شده است، به عبارتی اقتصاد ایران وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد و بیشتر سهم صادرات کشور به صادرات نفت خام اختصاص دارد. همچنین صادرات نفت خام درصد بالایی از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل داده است به طوری که می‌توان اقتصاد ایران را اقتصاد نفتی خواند (توسلیان، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

کشورهای صادرکننده نفت به واسطه صادرات نفتی خود به‌عنوان کالایی استراتژیک، وارد روابط و مناسبات تجارت جهانی می‌شوند و با اتصال به تجارت جهانی، اقتصاد جهانی را به نوعی از خود متأثر می‌سازند. گراهام فولر معتقد است که «نفس ماهیت این کالا باعث می‌شود که تولیدکننده بلافاصله به اقتصاد جهانی وصل شود و با نیازها و آسیب‌پذیری‌های بزرگترین نظام اقتصادی جهان، نیازهای صنعتی بین‌المللی و اقدامات سایر تولیدکنندگان در اطراف و اکناف جهان اجباراً آشنا شود» (فولر^۱، ۱۳۷۷: ۲۸۰).

بودجه دولت و اقتصاد کشور در ایران براساس منابع طبیعی و بالاجهت نفت و درآمد ناشی از صادرات آن مبتنی است. این امر منجر به وابستگی به نفت در اقتصاد شده و مشکلاتی را به وجود آورده است. گروهی که به اقتصاد بازار آزاد به‌شکل افراطی اعتقاد دارند یا نسبت به تحولات اجتماعی در ایران خوشبین نیستند، و نفت را بلای سیاه می‌دانند (دینی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۱۲).

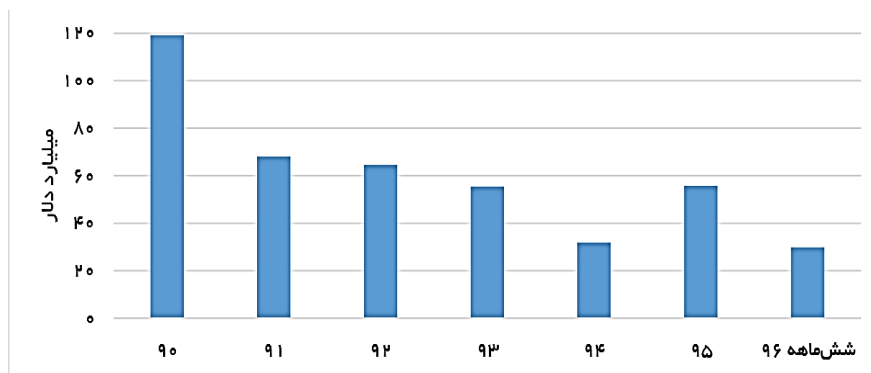
در زیر به بررسی میزان وابستگی ایران به نفت پرداخته می‌شود: نمودار (۱) درآمدهای نفتی ایران در بیست سال گذشته، نمودار (۲) صادرات نفتی ایران، نمودار (۳) درآمد نفتی ایران از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۹۲ و نمودار (۴) درآمد صادرات نفت و گاز نسبت به قیمت ثابت را نشان می‌دهد.

1. Fuller



(منبع: اقتصادنیوز، ۱۳۹۷).

وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی موجب می‌گردد که با نوسانات شدید درآمدهای نفتی، مدیریت کلان مالی و اقتصادی کشور دچار اختلال شود. به خصوص در زمان کاهش درآمدهای نفتی، هزینه‌های جاری دولت انعطاف پذیری کمتری برای کاهش دارند و هزینه‌های عمرانی دولت بیشتر کاهش می‌یابد که دلیل آن هم چسبندگی بیشتر هزینه‌های جاری نسبت به عمرانی است که در نتیجه باعث طولانی شدن دوره ساخت پروژه‌های عمرانی می‌گردد (حاجی میرزایی، ۱۳۸۵: ۱۱).



▲ صادرات نفتی (ارزش نفت خام، فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی، مایعات و میعانات گازی) - منبع: بانک مرکزی ایران

همانطور که در نمودار بالا مشاهده می شود در سالهای اخیر سهم صادرات نفت از کل صادرات بین ۶۵ تا ۷۵ درصد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی در حدود ۱۵ درصد بوده است. همچنین صادرات نفت منبع اصلی تامین ارز برای واردات بوده است. علاوه بر این بخش مهمی از هزینه های دولت (بیش از ۶۰ درصد) از طریق صادرات نفت تأمین می شود. بنابراین، برخی از متغیرهای مهم اقتصادی مانند واردات، هزینه های مصرفی دولت، سرمایه گذاری دولتی و خصوصی، نرخ ارز و ... متاثر از صادرات نفت اند (افروز و سوری، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

درآمد نفتی ایران از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۹۲

دوره	صادرات نفتی (میلیارد دلار)		قیمت نفت (دلار)		تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)		متوسط وابستگی (درصد)	
	متوسط	تغییرات	متوسط	تغییرات	متوسط	تغییرات	متوسط	تغییرات
قبل از جنگ	۱۹,۹۱		۱۸,۶		۴۶,۴۵		٪۴۴	
زمان جنگ	۱۳,۵۹	٪۳۲	۲۴,۸	٪۳۳	۲۴,۶۶	٪۴۷	٪۵۵	٪۲۵
دولت پنجم و ششم	۱۵,۷۸	٪۱۶	۱۷,۱	٪۳۱	۴۱,۳۰	٪۶۸	٪۴۲	٪۲۳
دولت هفتم و هشتم	۲۱,۷۴	٪۳۸	۲۲,۸	٪۳۳	۹۱,۵۹	٪۱۲۲	٪۲۵	-٪۴۱
دولت نهم و دهم	۷۹,۷۶	٪۲۶۷	۷۸,۱	٪۲۴۳	۳۲۸,۷۸	٪۲۵۹	٪۲۵	٪۰

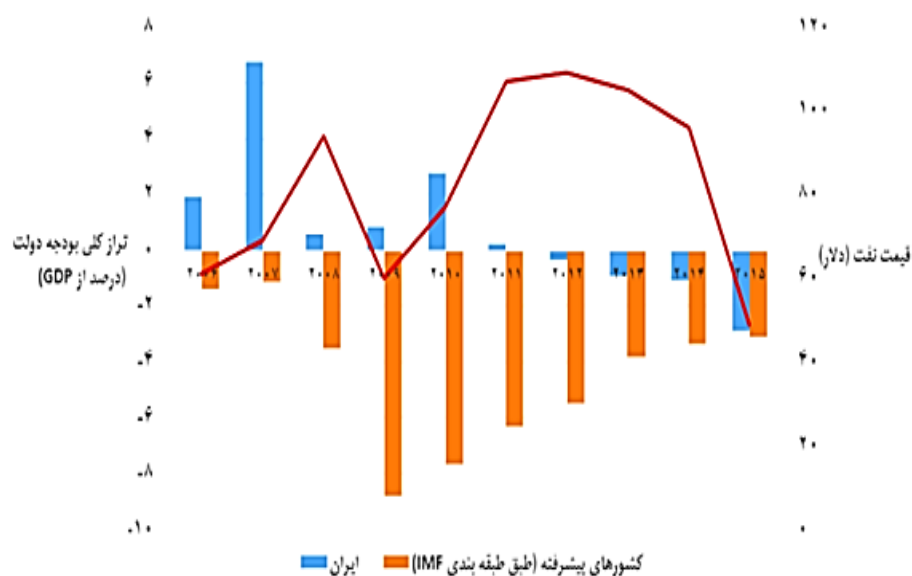
منبع: (بانک مرکزی).

درآمد صادرات نفت و گاز به قیمت ثابت ۲۰۱۰=۱۰۰ (میلیارد دلار)



همان طور که جدول و نمودار بالا نشان می‌دهند، صادرات نفتی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران تا کنون، افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است و به همین نسبت نیز قیمت نفت در این سال‌ها سیر صعودی داشته است و باعث شده است که تولید ناخالص داخلی کشور نیز افزایش یابد. بنابراین طبق آمار مذکور، نفت نقش حیاتی در اقتصاد ایران ایفا می‌کند و اقتصاد این کشور شدیداً به درآمدهای نفتی وابسته است و بر همین اساس در آینده نزدیک به یک مشکل و تهدید جدی برای کشور تبدیل می‌شود.

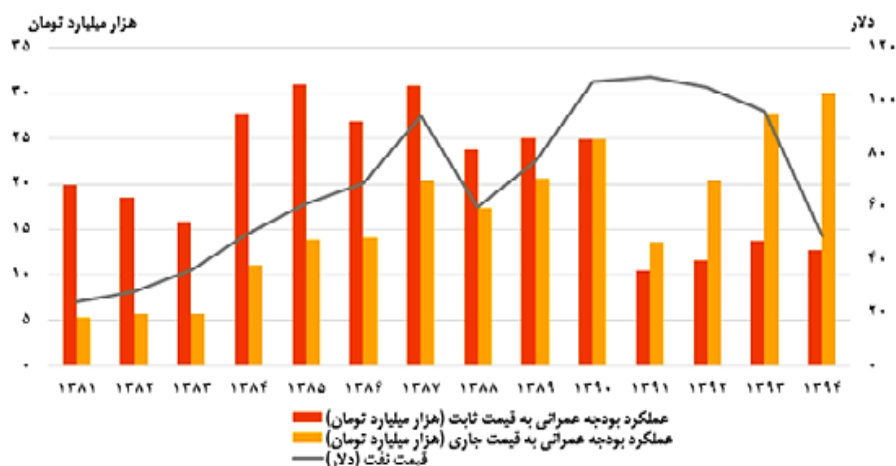
همراهی قیمت نفت با تراز کلی بودجه ایران و کشورهای پیشرفته



(منبع: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس، ۱۳۹۵)

تاثیرپذیری مستقیم بودجه دولت و اقتصاد از نوسانات قیمت و درآمد نفت ویژگی عمومی کشورهای صادرکننده نفت در چند دهه اخیر بوده است. نمودار بالا نشان می‌دهد که هم در ایران و هم در کشورهای پیشرفته، تراز کلی بودجه دولت به‌طور قابل توجهی تحت تاثیر روند نوسان قیمت است.

عملکرد بودجه عمرانی و قیمت نفت



(منبع: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس، ۱۳۹۵)

طبق نمودار بالا، نوسان قیمت و درآمدهای نفتی، عمدتاً در نوسان بودجه‌های عمرانی (که نسبت به بودجه‌های جاری کمتر اجباری هستند) منعکس می‌شود. همین نوسان بودجه و در نتیجه بودجه عمرانی در نتیجه نوسان قیمت نفت، عامل مهمی در رشد اقتصادی کشورهای متکی به این منبع طبیعی به شمار می‌رود. ادبیات اقتصادی در کشورهایی که بودجه دولت در آنها متکی به منابع طبیعی است، مملو از مشکلات مختلف و البته مشترک است. یکی از مهمترین این موارد، عدم تنوع اقتصاد در این کشورهاست که خود دلیل کاهش رشد است و افزایش آن نیز به افزایش رشد می‌انجامد (آتشبار، ۱۳۹۵).

۳- برنامه‌های توسعه و درآمدهای نفتی در ایران

همه دولت‌های ایران در بودجه عمومی وابستگی به درآمدهای نفتی را تجربه کرده‌اند و قطع وابستگی به نفت در عمل اتفاق نیافتاده است. این درحالی است که سیاست اعلامی آنها ایجاد تنوع در اقتصاد و سرمایه‌گذاری در بخشهای دیگر صنعتی و تولیدی در راستای کاهش سهم نفت از درآمد صادرات ایران بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵).

نخستین برنامه توسعه پس از انقلاب در سال ۱۳۶۱ تهیه شده و آماده تقدیم به مجلس شد. اهداف ده گانه برنامه اول، ساماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و تمرکز زدایی از تهران، مطرح شده بود. در جدول‌های پایان سند برنامه، متوسط رشد اقتصادی سالانه ۸/۱ درصد در سال و تولید سرانه با توجه به رشد جمعیت (۳/۲ درصد در سال)، سالانه ۴/۹ درصد بود. الگوی برنامه، برنامه ریزی جامع اقتصادی و استراتژی برنامه جایگزینی واردات با حمایت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به درآمد نفت بود (سازمان برنامه، ۱۳۶۸).

برنامه دوم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی در یک ماده واحده و ۱۰۱ تبصره برای اجرا در مدت ۵ سال (۱۳۷۴-۱۳۷۸) تهیه شد. الگوی برنامه دوم، برنامه ریزی جامع اقتصادی و استراتژی برنامه، رشد و توسعه پایدار، حمایت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به درآمد نفت انتخاب شده بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴). اما با کاهش درآمدهای نفتی در سال ۱۳۷۷ و متعاقباً بی ثباتی سیاست‌ها و برنامه‌ها منجر به ناکارآمدی راهکارهای مقابله با فقر و نابرابری شد (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۳۳).

برنامه سوم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی در ۳ بخش، ۲۶ فصل و ۱۹۹ ماده برای اجرا در مدت ۵ سال (۱۳۷۹-۱۳۸۳) تهیه شده بود. مهم ترین ناکامی‌های برنامه سوم توسعه عبارتند از: افزایش بی رویه واردات؛ افزایش کند صادرات غیرنفتی؛ افزایش حجم نقدینگی؛ وابستگی شدید بودجه به درآمدهای نفتی؛ روند ناقص و کند خصوصی سازی؛ هدفمند نبودن یارانه‌ها؛ عدم وصول درآمدهای مالیاتی و رشد اشتغال پایین (مصلی نژاد و محمدزاده، ۱۳۹۵: ۷۶).

برنامه چهارم توسعه در ۶ بخش، ۱۵ فصل و ۱۶۱ ماده تهیه و در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۶ برای اجرا در دوره پنج ساله (۱۳۸۴-۱۳۸۸) تهیه شد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳). در دوره (۱۳۸۴-۱۳۸۸) با وجودی که در کل این دوره درآمدهای نفتی سرشار بود و در مقاطعی قیمت نفت به شبکه‌ای بالاتر از ۱۵۰ دلار رسید، ولی به دلیل تزریق درآمدهای نفتی به درون جامعه، اقتصاد کشور با معضلات عمده‌ای از جمله تورم، رکود و ورشکستگی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی مواجه شد؛ زیرا به پشتوانه درآمدهای عظیم نفتی در بودجه ریزی، سیاست انبساطی اجرا شد و به علاوه به دلیل حضور درآمدهای نفت در ذخایر بانک مرکزی و در ادامه اجرای سیاست وام‌های زودبازده، سبب انبساط شدید در بخش پول شد و متعاقباً باعث افزایش شدید

تقاضا در تمامی بخش‌های اقتصادی شد که این موضوع نیز به تورم شدید دامن زد (کرم زادی، ۱۳۹۱: ۶۳).

با توجه به واقعیت‌های فوق می‌توان گفت در کشورهایی که بخش عمده درآمد صادراتی از محل فروش نفت تامین می‌شود و اتکای دولت به دیگر صادرات غیرنفتی در حداقل است، ثبات درآمدهای آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که نفت مهم ترین منبع تامین درآمد ارز و یکی از منابع اصلی تامین بودجه عمومی کشور ما می‌باشد، بی‌ثباتی، ناپایداری و نوسان درآمد حاصل از آن که از عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد، تمام برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۴- از تشکیل حساب ذخیره ارزی تا صندوق توسعه ملی

همواره یکی از دغدغه‌های دولت در اقتصاد ایران، نحوه مدیریت درآمدهای نفتی بوده است. مسیر اصلی انتقال درآمدهای ارزی حاصل از نفت به اقتصاد ایران، بودجه دولت می‌باشد.

درآمدهای نفتی به دلیل نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی، پرنوسان و بی‌ثبات است؛ اما نکته جالب واکنش نامتقارن بودجه دولت به درآمدهای نفتی است. در واقع در دوره‌های رونق نفتی که درآمدهای نفتی افزایش می‌یابد، مخارج رو به گسترش دولت از طریق فروش درآمدهای ارزی حاصل از نفت، تامین می‌شود، در مقابل در دوره‌های رکود نفتی که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد، مخارج دولت نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه مخارج رو به گسترش دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی جهت پوشش کسری بودجه تامین می‌گردد (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۸: شماره ۲۰۱۹).

بنابراین فلسفه شکل‌گیری این حساب بیشتر در راستای تعدیل فشارهای ناشی از نوسان قیمت نفت بر اقتصاد ملی بوده تا ایجاد پس‌انداز برای نسل‌های آینده کشور یا کاهش ذخایر ارزی بانک مرکزی. همچنین در دهه ۱۳۷۰ نوسات قیمت و کاهش قیمت نفت و درآمد ارزی دولت و محقق نشدن بودجه موجب شد تا صندوق ذخیره ارزی با هدف جذب درآمدهای افزایش یافته مقطعی و موقتی نفتی و جلوگیری از تاثیر نوسات قیمت نفت بر بودجه دولت و اقتصاد ملی بوجود آید (روشنی، ۱۳۹۵: ۷۰).

در راستای دستیابی به راهکارهای عملی در خصوص مدیریت صحیح درآمدهای نفتی، نخستین بار براساس قانون برنامه سوم توسعه و در قالب ماده ۶۰ قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی افتتاح حساب ذخیره ارزی ایجاد و مقرر شده که از سال

۱۳۸۰ مازاد درآمد حاصل از صادرات نفت نسبت به ارقام پیش بینی شده برنامه در این حساب نگهداری شوند (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۸: شماره ۲۰۱۹). در صورتی که در آمد ارزی حاصل از فروش نفت خام کمتر از نفت خام کمتر از آنچه پیش بینی شده باشد دولت می تواند طی یک دوره ۶ ماهه از موجودی حساب ذخیره ارزی برداشت کند و معادل ریالی آن در حساب درآمد عمومی در نظر گرفته شود. بنابراین می توان عملکرد و نقش حساب ارزی را به این صورت بیان کرد:

- وابستگی بودجه دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام کاهش یابد؛
- در صورت بهبود درآمدهای نفتی از گسترش بی رویه بودجه جلوگیری به عمل آید؛
- جلوگیری از ورود شوک‌های منفی نفتی بر اقتصاد و اعتبارات عمرانی؛
- بخش‌های غیردولتی در بخش‌های تولیدی و صادراتی تقویت شوند (صادقی و بهبودی، ۱۳۹۱: ۴۱).

بنابراین می توان گفت که پدیده حساب ذخیره ارزی در ایران چندان با برنامه نبوده و به صورت مقطعی بوده است و همین که ذخایر اندکی در این حساب نگه داری می شد به طرق مختلف هزینه می شد. به خاطر همین بی برنامه‌گی، حساب ارزی نتوانسته موفق عمل کند و به اهدافی که برای آن تعریف شده بود، برسد.

همین عملکرد ناامید کننده حساب ذخیره ارزی باعث شد، دولتمردان به فکر تغییر استراتژی مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور باشند. بنابراین در سال ۱۳۸۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع ایجاد صندوق توسعه ملی را مطرح کرد (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۸: شماره ۲۰۱۹).

پس از تجربه ناموفق حساب ذخیره ارزی، تأسیس صندوق توسعه ملی با هدف سرمایه گذاری در امور زیربنایی و توجه به عدالت بین نسلی در مواد ۸۴ و ۸۵ قانون برنامه پنجم توسعه کشور تصویب و ابلاغ شد. ماموریت اصلی این صندوق حفظ اصل سرمایه و عدالت بین نسلی از درآمدهای نفتی اعلام شد (صیادی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۹۶). با توجه وضعیت اقتصادی کشور، به نظر می‌رسد این صندوق نیز نباید سرنوشت بهتری نسبت به حساب ذخیره ارزی داشته باشد.

با توجه به این کارا شدن، ساز و کار سرکوب دلارهای نفتی در اقتصاد نیازمند نهادهای کارآمد دولت و همکاری نیروهای سیاسی و اجتماعی تأثیر گذار بر تصمیم‌های دولت در زمینه شیوه هزینه کردن درآمدهای نفتی است که از طریق این صندوق می تواند تحقق پیدا کند. بنابراین صندوق ذخیره ارزی باید از یورش دولت جهت تامین

کسری بودجه مستقل باشد زیرا همان طور که گفته شد هدف از تاسیس این صندوق، ذخیره درآمدهای مازاد نفتی بود. تا از آسیب پذیری کشور در زمان نوسانهای قیمت نفت جلوگیری کند.

همچنین توجه به ایرادات وارده به کارکرد صندوق توسعه ملی باید یکسری اصلاحات در اساسنامه و کارکرد این صندوق ایجاد شود:

۱. ایجاد صندوق یا حساب ثبات‌ساز بودجه‌ای با منابع مشخص و مستقل از صندوق توسعه ملی که براساس یک قاعده مالی ایجاد شده باشد.
۲. تغییرات اساسنامه صندوق به‌طوری‌که استقلال در منابع و مخارج داشته باشد.
۳. منع اعطای تسهیلات ریالی از سوی صندوق.
۴. استفاده از منابع صندوق در مشارکت سرمایه‌گذاری‌های خارجی یا تامین بیمه و وثایق مورد نیاز برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی (صندوق توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران).

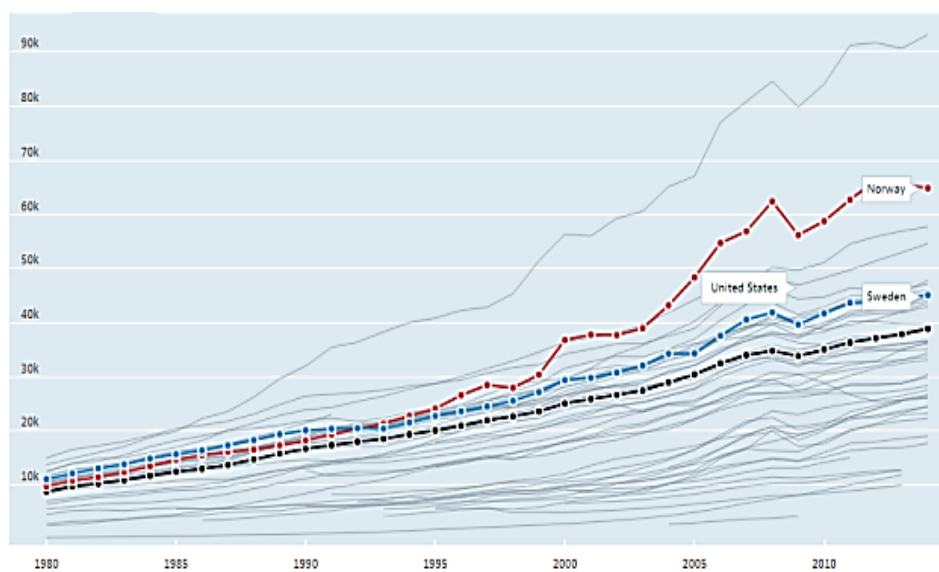
۵- سهم نفت در اقتصاد نروژ

نروژ بعد از عربستان و روسیه سومین کشور صادرکننده نفت در دنیا است که درآمدهای حاصل از نفت را صرف افزایش ثروت ملی می‌کند و آن را در صندوق ارزی پس انداز می‌کند و دولت هرگز حق برداشت آن را ندارد. این کشور ۲۰ درصد از درآمد فروش نفت را صرف بودجه دولتی می‌کند و ۸۰ درصد آن را در بازارها و بورس‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌کند (کمالی دلفارودی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱).

با توجه به اینکه منابع طبیعی به‌طور مستقیم و ذاتا نمی‌تواند مانع رشد اقتصادی شود، به‌نظر می‌رسد این پدیده از طریق کانال‌هایی مانند نوسانات شدید بازار جهانی نفت، افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرتجاری (غیرقابل مبادله) نسبت به کالاهای تجاری (قابل مبادله) و در نتیجه، لطمه خوردن به بخش صنایع و کشاورزی، ضعف مهارت‌های شغلی و بی‌توجهی به سرمایه‌ی انسانی، به‌صورت غیرمستقیم موجب بروز برخی انحرافات در عملکرد اقتصادهای متکی بر منابع شده است (حسینی یزدی و توسلی نائینی، ۱۳۹۴: ۱۹).

نروژ برای دهه‌ها کم‌درآمدترین کشور منطقه اسکاندیناوی بود. با این حال، تاریخ اقتصادی اخیر این کشور نشان دهنده رشد تولید ناخالص داخلی در مقایسه با سایر نقاط اروپا و دیگر کشورهای توسعه یافته، مانند ایالات متحده است که در نمودار زیر

نشان داده شده است. این نوسان رویدادها به‌طور معمول با کشف نفت نروژ در سال ۱۹۶۹ و پس از آن از سال ۱۹۷۱ همراه بوده است. در سال ۲۰۱۲، بخش نفت بیش از ۲۳ درصد کل ارزش خالص این کشور را تشکیل می‌داد (Essays, 2013).



دولت نروژ تأکید زیادی بر این امر داشت که منابع طبیعی باید تحت کنترل دولت باشد و دولت مقام مسئول در زمینه اعطای امتیاز کشف و تولید نفت باشد. با امتیازاتی که دولت در سال ۱۹۶۵ اعطا کرد، در سال ۱۹۶۶ اولین چاه نفت در فلات قاره نروژ حفاری شد و تولید در اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد؛ در آن زمان تولید نفت روزانه ۳۲۰۰۰ بشکه بود که در سال ۱۹۸۷ به یک میلیون بشکه و در سال ۱۹۹۶ به سه میلیون بشکه در روز افزایش یافت. به دلیل پایین بودن تقاضای داخلی در نروژ این کشور توانست به یکی از صادرکنندگان عمده نفت در جهان تبدیل شود (شیرکوند، ۱۳۸۲: ۵۰).

همانند ایالت‌های آلاسکا و آلبرتا، در نروژ نیز بعد از کشف حوزه‌های نفتی بحث‌های فراوانی در رابطه با چگونگی مصرف این درآمدها صورت گرفت و ترس از بیماری هلندی و نیز نگرانی‌های ناشی از جذب این درآمدها در اقتصاد داخلی شدت یافت. با این حال صحبتی از ایجاد صندوق نفتی نبود (کیان پور، ۱۳۸۹: ۸۲). پارلمان نروژ از ابتدا در پی این بود که نفت سهم زیادی در اقتصاد نروژ داشته باشد و در این راستا شرکت‌های

نروژی هم باید در این بخش فعالیت می‌کردند. در این فرآیند، بنگاه‌های نروژی از قابلیت در زمینه‌های مرتبط نظیر کشتی سازی و تخصص زمین شناسی بهره بردند. بنگاه‌های نروژی پیش از کشف نفت در زمینه‌های گوناگونی فعال بوده‌اند و در بازار جهانی نیز جایگاه بالایی را به دست آوردند. اما در بخش نفت، به دلیل هزینه ی زیاد این بنگاه‌ها زیاد فعالیت نمی کردند (بابازاده، ۱۳۹۲: ۲۳).

افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ موجب افزایش درآمد نروژ شد. دولت نروژ در این مسیر با پیش بینی ادامه روند افزایش قیمت‌ها، برنامه‌هایی را تدارک دید، اما شرایط پیش بینی شده عملی نشد و دولت نروژ بدهی‌های زیادی به بار آورد. این امر موجب شد تا پارلمان نروژ در سال ۱۹۹۰ تشکیل صندوق ذخیره ارزی را به تصویب برساند. این صندوق به‌طور رسمی در سال ۱۹۹۶ کار خود را آغاز کرد و از آن زمان تا کنون توانسته موجب تحول بزرگی در اقتصاد این کشور شود. در حالی که اغلب کشورهای نفت خیز دنیا درآمدهای حاصل از فروش نفت خام خود را صرف هزینه‌های جاری می‌کنند، نروژ با پس انداز کردن آن در یک صندوق مستقل موجبات این تحول عظیم شده است (سلطانی و حشمت پور، ۱۳۹۵: ۲۱۷).

۶- سیاست توسعه ملی و درآمدهای نفتی نروژ

۶-۱- تاسیس صندوق ذخیره ارزی

در نروژ پس از کشف ذخایر نفتی وسیع، برای مقابله با پیامدهای منفی افزایش درآمد ناگهانی و نوسان قیمت نفت و جلوگیری از تأثیرات آن بر روی دیگر بخش‌های اقتصاد، در سال ۱۹۹۰ صندوقی برای سرمایه گذاری درآمدهای نفتی نروژی تاسیس شد که دومین صندوق مستمری مستقل در جهان است که تقریباً نیم تریلیون دلار ارزش دارد (موری^۱، ۲۰۱۰: ۲).

تصدی‌گری اندک دولت در بخش نفت و گاز و تفکیک بین حیطه‌های سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و تجارت، منجر به درگیری اندک دولت در فرایند توسعه و بهره برداری از منابع نفت و گاز و در عوض، انجام نظارت مستمر بر حسن انجام کار توسط شرکت‌های داخلی و خارجی گردیده است که در بلند مدت با اعمال مالیات‌های متنوع، درآمدهای خود را حداکثر نموده است. به‌طور کلی، همه منابع مالی حاصل از

1. Murray

صادرات نفت و گاز نروژ، در صندوق بازنشستگی دولتی این کشور ذخیره می گردد که به طور مستقیم، تحت نظارت بانک مرکزی و هیئت نظارت بر این نهاد قرار دارد و اعضای آن توسط مجلس نروژ تعیین می شوند. برداشت از این صندوق، به منظور تامین کسری بخش غیر نفتی، حداکثر در حد چهار درصد از سود سرمایه گذاری های انجام شده توسط صندوق امکان پذیر است و دولت مجاز به استفاده مستقیم از درآمدهای ارزی در اقتصاد داخلی نیست (وزارت مالیه نروژ^۱، ۲۰۱۱: ۱۲۲). مسوولیت مدیریت صندوق برعهده بانک مرکزی نروژ گذاشته شد. این بانک پیش از این تجربه مدیریت ذخایر ارزی را داشت و از این جهت شناخته شده و مورد احترام بود (بابازاده، ۱۳۹۲: ۲۴). ساختار و شیوه عملکرد صندوق به گونه ای طراحی شد که بتواند کارکردهای زیر را تحقق بخشد:

- مقابله با هرگونه نوسان اقتصادی ناشی از تغییرات قیمت محصولات صادراتی؛
- ایجاد اطمینان لازم برای بازارهای مالی خارجی نسبت به توانایی کشور در زمینه پرداخت تعهدات ارزی در شرایط بحرانی یا بروز شوک های خارجی؛
- امکان سودآوری جاری ذخایر ملی؛
- کمک به حفظ ارزش پول ملی؛
- منبعی جهت سرمایه گذاری در خارج از کشور (حشمتی مولایی، ۱۳۸۳: ۳۲).

۶-۲- توجه به سایر زمینه های اقتصادی

نروژ مسئله ی عدم تمرکز صادرات بر یک محصول را درک کرده و به همین دلیل تمرکز خود را از روی نفت برداشته و به سایر زمینه ها معطوف کرده است. بسیاری از اقتصاددانان عقیده دارند که تمرکز صرف بر روی منابع، حتی از نوع تجدید پذیر درست نیست، زیرا در این شرایط ممکن است با کساد شدن بازار این منابع و یا هر اتفاق دیگری، اقتصاد یک کشور به دلیل وابستگی شدید به آن منبع، به طور کامل از بین برود. صادرات نفت و گاز در نروژ ۴۵ درصد از کل حجم صادرات این کشور را تشکیل می دهد و پیش بینی می شود این کشور تنها با صادرات نفت و گاز خود می تواند به حیات خود ادامه دهد (مگانگالوما^۲، ۲۰۱۴: ۱۷).

1. Norwegian Ministry of Finance
2. Mgangaluma

۶-۳- تعلق منابع به تمام نسل‌ها

سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران نروژ در مدیریت منابع نفتی به تعلق این منابع به همه ی نسل‌ها تأکید دارند و همین امر یکی از دلایل توسعه این کشور به شمار می‌آید (دیسچ، ۲۰۱۳: ۱۴). در این راستا، هدف از تشکیل صندوق ذخیره، نه تنها محافظت از اقتصاد در برابر نوسانات قیمت نفت، بلکه حمایت حسابگرانه از سرمایه نفتی نروژ، ایجاد اندوخته درازمدت برای انجام دادن تعهدات مالی کشور در آینده، کاهش مصرف جاری و حرکت به سمت اقتصادی غیر نفتی بود.

۶-۴- شفاف‌سازی

شفافیت عملکرد، هزینه‌ها و درجه ریسک پذیری صندوق هر سه ماه یک بار بوسیله بانک مرکزی نروژ به اطلاع عمومی مردم می‌رسد. همچنین گزارش‌های فصلی صندوق نیز بر روی وب سایت آن قرار می‌گیرد. به موازات آن به‌طور مرتب بعد از تشکیل جلسات اعضای صندوق با مسئولان وزارت دارایی، یک کنفرانس خبری در مورد عملکرد جاری صندوق ترتیب داده می‌شود. در گزارش سالانه فهرست تمامی سرمایه‌گذاری‌ها، درصد مالکیت‌ها و درآمدها اعلام می‌گردد (کارآفرین، ۱۳۸۶: ۲۵).

۶-۵- سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها

تمامی موجودی صندوق مازاد درآمد نفت نروژ صرفاً در دیگر کشورها سرمایه‌گذاری می‌شود و این کشور در سال ۲۰۰۵ میلادی بیشترین و بزرگترین سرمایه‌گذاری‌ها در مورد صنعت نفت و گاز را داشته است. اسم شرکت دولتی استات اویل که اصلی‌ترین شرکت استخراج نفت و گاز در نروژ است، به دلیل سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی‌اش، بیشتر در کشورهای غیر از نروژ شنیده شده است. همچنین یکی از اصلی‌ترین شرکت‌هایی که حتی نفت ایران را استخراج می‌کند، همین شرکت استات اویل است. جنبه مهم دیگر این سیاست، استفاده از صندوق ذخیره ارزی به‌منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری است که در توسعه میادین نفتی فعالیت می‌کنند.

نروژ توانسته است با تشویق این‌گونه سرمایه‌گذاران تلاش آنها برای به کار بردن آخرین تکنولوژی روز دنیا و ابداع روش‌های جدید جهت افزایش هرچه بیشتر ضریب باز یافت میادین نفتی را دوچندان کند. از این طریق بازیافت نفت در برخی از میادین نروژ به حدود ۷۰ درصد رسیده است. در حالیکه این رقم برای اکثر مخازن ایران حداکثر ۳۰

درصد است به عبارت دیگر نروژی‌ها توانسته‌اند از یک میدان نفتی بیش از دو برابر نفتی که در سایر مناطق دنیا استخراج می‌شود برداشت کنند (<http://www.daneshenaft.ir>). از دلایلی که نروژ تصمیم به سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها گرفته است به شرح ذیل می‌باشد:

- جلوگیری از تبدیل شدن صندوق به یک منبع اضافی برای تامین مالی هزینه‌های دولت. اگر از وجوه صندوق در سرمایه‌گذاری داخلی استفاده شود، به بخشی از بودجه دولت تبدیل می‌گردد که عواقب خاص خود را در پی دارد.
- سوق دادن سرمایه‌گذاری‌ها به خارج از کشور باعث می‌شود که ساختار صنعتی به درآمدهای نفتی وابسته نگردد. از این‌رو در صورت کاهش یا قطع درآمدهای نفتی نیز این ساختار قابل دوام خواهد بود.
- ضرورت تثبیت اقتصاد نروژ با سرمایه‌گذاری مستقیم منابع صندوق نفت در خارج از کشور. این امر فشار در زمینه تقویت ارزش نرخ ارز یا کاهش نرخ‌های بهره را کم می‌کند و اقتصاد داخلی را در مقابل تاثیرات ناشی از درآمدهای بالاتر نفتی مورد حمایت قرار می‌دهد.
- مصرف درآمدهای ارزی در داخل کشور می‌تواند آثار تورمی بر جای گذارد. به علاوه در شرایطی می‌تواند منجر به ضعف شرکت‌های داخلی در برابر واردات انبوه گردد (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۲۳-۱۲۱).

۶-۶- تامین صندوق بازنشستگی

عملکرد مناسب صندوق بازنشستگی در سالهای اخیر آن را به کارآمدترین صندوق در دنیا تبدیل کرده است. این صندوق به‌عنوان یک ابزار برای اعمال سیاست‌های بلند مدت مالی و توقف تدریجی کسب درآمدهای نفتی در سال ۱۹۹۰ تاسیس شد. انتقال ثروت از منابع نفتی نروژ به دارایی‌های خارجی که توسط صندوق بازنشستگی دولت، سرمایه‌گذاری می‌شود به دولت کمک می‌کند تا تنوع و گوناگونی ثروت نفتی دولت بهبود پیدا کند (<http://www.daneshenaft.ir>).

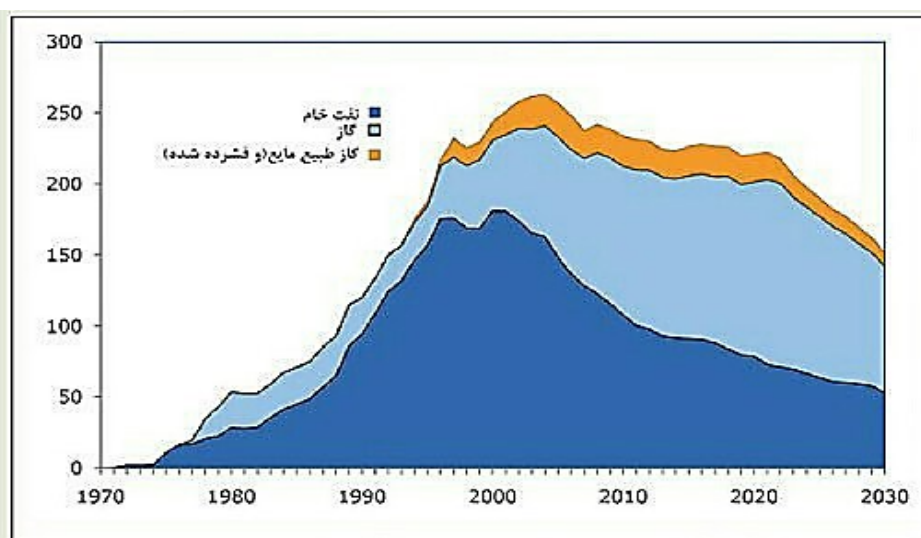
۶-۷- اعتماد به دولت

در نروژ ولخرجی عظیمی صورت نمی‌گیرد. در واقع تصمیم‌گیران به دقت در حال اجرای مصوبه‌ای هستند که بر اساس آن، می‌توانند تنها ۴ درصد مازاد درآمدهای

صندوق را در پروژه‌های عمومی دولتی هزینه یا سرمایه گذاری کنند و البته دلایل زیادی وجود دارد که چرا مردم نروژ از پس انداز شدن ذخائر و منابع مالی خود راضی‌اند و گرفتار وسوسه داشتن زندگی تجملاتی نیستند. پروفیسور کپلین معتقد است که دموکراسی اجتماعی و خط مشی‌های مربوط به تساوی حقوق افراد باعث شده است که نروژ جامعه‌ای همگن با سطح عظیمی از اعتماد عمومی داشته باشد. او می‌گوید: «ما به دولت اعتماد داریم. باور داریم مالیاتی که می‌پردازیم به شیوه‌ای هوشمندانه هزینه خواهد شد و وقتی اطمینان است که بقیه افراد سهم خودشان را می‌پردازند شما هم از پرداخت سهم خود راضی هستید. اما آیا نروژ به دلیل سطح بالای اعتماد شهروندانش ثروتمند است یا اعتماد شهروندانش به دلیل ثروت زیاد نفت کشورشان بالاست؟ همچنین کپلین معتقد است که هر دو گزینه درست است به طوری که سطح بالای اعتماد باعث آسان و روان شدن رشد اقتصادی می‌شود» (سلطانی و حشمت پور، ۱۳۹۵: ۲۱۶).

نقش درآمدهای نفتی در متغیرهای توسعه اقتصادی نروژ

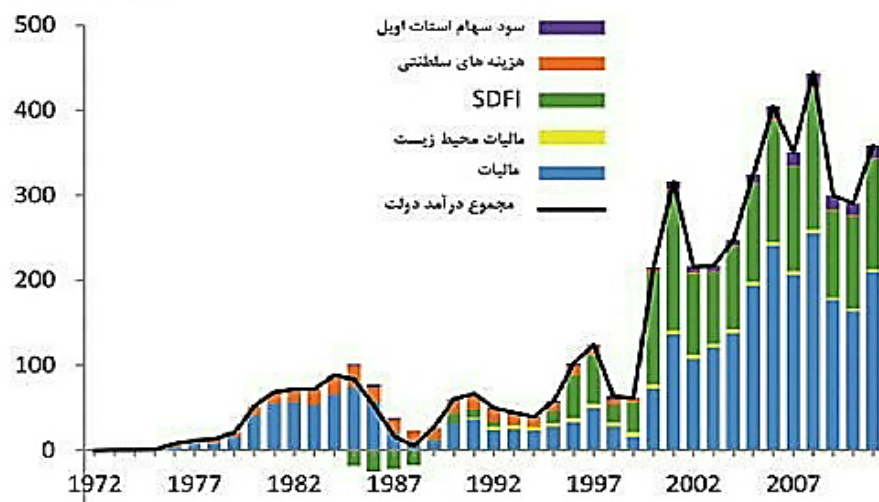
تولید نفت نروژ:



شکل بالا نشان می‌دهد که تولید نفت نروژ از سال ۱۹۷۰ روند صعودی داشته و بر میزان آن در طی این سال‌ها افزوده شده است.

خالص جریان نقدی دولت از فعالیت‌های بخش نفت:

بیلیون تونک «واحد پول نروژ» ارزش ۲۰۱۲



(منبع: بانک جهانی).

نمودار بالا درآمدهای دولت در طول زمان را نشان می‌دهد. مهم‌ترین آنها درآمدی است که از طریق سیستم مالیاتی خاص بخش نفت به دست می‌آید؛ دومین منبع مهم درآمد دولت مالکیت مستقیم از طریق SDFI است. SDFI در حال حاضر در تمام پروژه‌های نفتی سهام مالکیت غیر فعال دارد. به علاوه دولت دو سوم سهام مالکیت استات‌اوایل را در اختیار دارد و به همین نسبت از سود تقسیم شده آن را مستقیماً دریافت می‌کند.

نتیجه‌گیری

دولت نروژ به سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی در خارج از کشور می‌پردازد و تنها مقدار کمی از آن را در اقتصاد داخلی وارد می‌کند. همین شیوه منجر به موفقیت دولت نروژ در فعالیت‌های نفتی شده است. به کارگیری این راهکار توسط نروژ باعث شده یک منبع ارزی نزدیک به ۸۰۰ میلیارد دلاری برای این کشور پنج میلیون نفری ایجاد شود و نوسان قیمت نفت نیز هیچ تلاطمی در اقتصاد ملی آن ایجاد نکند اما در ایران وقتی

قیمت نفت افزایش می‌یابد، اقتصاد دچار بیماری هلندی و در زمان کاهش قیمت نفت، دولت با کسری بودجه و تورم روبه‌رو می‌شود. علاوه بر این رشد اقتصادی ایران هم همراه با نوسانات درآمدهای نفتی، نوسان داشته و هیچ‌وقت روند باثبات و پایداری نداشته است.

تأسیس صندوق ذخیره ارزی از مهمترین راهکارهای دولت نروژ برای ورود درآمدنفتی به اقتصاد بوده است. بر اساس قانون، وجوه صندوق در اسناد مالی خارجی اوراق قرضه، سهام شرکت‌ها، اسناد بازار مالی و اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌شود و پارلمان نروژ باید تغییرات در صندوق را تأیید کند. در این راستا بانک مرکزی هر سه ماه به بررسی شفافیت صندوق می‌پردازد و آن را به اطلاع مردم می‌رساند.

در راستای تفاوت‌های این دو کشور باید گفت در خصوص تشکیل صندوق و حساب ذخیره ارزی دو کشور شرایط متفاوتی داشتند که بستگی به نوع نگاهشان به درآمدهای نفتی داشت. اما هدف هر دو کشور در راستای مدیریت درآمدهای نفتی بوده که منجر به ایجاد صندوق و حساب ذخیره ارزی گردیده است. حساب ذخیره ارزی ایران اهداف خود را عملی نکرده و مسیر درستی را طی ننموده است، اما نروژ به موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه دست یافته است. از جمله این دستاوردهای مهم در نروژ استفاده از صندوق، منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری است که در توسعه میادین نفتی فعالیت می‌کنند. این کشور توانسته با تشویق این‌گونه سرمایه‌گذاران تلاش آنها را برای به کار بردن آخرین تکنولوژی روز دنیا و ابداع روش‌های جدید جهت افزایش هرچه بیشتر ضریب بازیافت میادین نفتی دو چندان کند. از این طریق بازیافت نفت در برخی از میادین نروژ به حدود ۷۰ درصد رسیده؛ درحالی‌که این رقم برای اکثر مخازن ایران حداکثر ۳۰ درصد است. یعنی نروژی‌ها توانسته‌اند از یک میدان نفتی بیش از دو برابر ایران برداشت کنند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم صندوق ذخیره ارزی نروژ نقش آن در صندوق بازنشستگی این کشور می‌باشد که عملکرد مناسب آن طی سال‌های اخیر این صندوق بازنشستگی را به کارآمدترین در نوع خود تبدیل کرده است.

علاوه بر عملکرد مثبت صندوق ذخیره ی ارزی نروژ، از دیگر پیروزی‌ها و عملکردهای مثبت نروژ در خصوص درآمدهای نفتی می‌توان به افزایش شمار شرکت‌های بین‌المللی این کشور در عرصه انرژی اشاره کرد. برای مثال، شرکت استات اویل به‌عنوان بزرگ‌ترین شرکت نفتی نروژ رتبه ۲۹ را در میان شرکت‌های نفتی جهان به خود اختصاص داده است.

تاسیس حساب ذخیره ارزی در ایران با هدف جلوگیری از انتقال آثار منفی نوسان قیمت نفت بر اقتصاد داخلی صورت گرفت. ایران همچنین در تلاش بود تا با ذخیره‌سازی ما زاد درآمد نفتی، از بخش خصوصی نیز حمایت نماید اما در ایران برداشت بی‌رویه از حساب ذخیره ارزی و تزریق پول آن به اقتصاد را شاهد بوده‌ایم. از طرف دیگر در دسترس بودن منبع ذخیره ارزی به دلیل عدم تشکیل یک صندوق مستقل از نظر حقوقی با مدیریت مشخص و مستقل نیز امکان دستیابی دولت به آن را سهل کرده و باعث شده تا اهداف پیش‌بینی شده از تشکیل حساب ذخیره ارزی محقق نگردد.

آنچه که ما داریم - برخلاف نروژ - حساب ذخیره ارزی است، نه صندوق ذخیره ارزی. شکل‌گیری صندوق به معنی ایجاد نهاد عمومی مستقلی است که هیأت مدیره و مدیر عامل خاص خود را دارد و امکان تصمیم‌گیری مستقل روی سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی و سودآور را دارا می‌باشد. بدین ترتیب این تشکیلات جدید می‌تواند نسبت به ارزیابی طرح‌ها و پرداخت وام‌ها، رأساً اقدام کرده و در عین حال بر بازگشت منابع نیز نظارت نماید. در این صورت با وجود مدیریت شفاف امکان نظارت عمومی و دقیق نیز بر صندوق وجود خواهد داشت.

دولت باید به سمت نظام مالیاتی کارآمد پیش برود تا وابستگی خود را به درآمدهای نفتی کاهش دهد و هزینه‌های جاری را از محل فروش نفت تامین کند، هرچند در بخش هزینه‌ها نیز نیازمند برقراری انضباط مالی است و اکنون ایران گران اداره می‌شود. در ایران درآمدهای نفتی برای خرج‌های دولت هزینه می‌شود، اما در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند نروژ درآمدهای دولت از راه مالیات به دست می‌آید. در ایران به دلیل وجود درآمدهای نفتی و هزینه کردن آن، دولت، نظام مالیاتی مستحکمی را ایجاد نکرده است و همین امر از تفاوت‌های دولت نروژ و ایران در امر درآمدهای نفتی است.

بنابراین با توجه به تفاوت‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی موجود میان کشور نروژ و ایران، جا دارد سیاست‌های کشور نروژ توسط مسئولین مورد بررسی دقیق قرارگیرد و سپس سیاست‌هایی که متناسب با ویژگی‌های خاص ایران است اتخاذ شود. در این راستا باید صندوق ذخیره ارزی با یک قاعده نظام‌مند ایجاد شود و اساس کار هم این باشد که اولاً از این صندوق، پول برای هزینه‌های جاری دولت برداشت نشود و ثانیاً منابع آن صرف خرید تکنولوژی جدید و ایجاد و توسعه زیرساخت‌های کشور شود. صرف پول برای ایجاد زیرساخت و خرید تکنولوژی جدید به مثابه ایجاد ثروت برای نسل‌های

آینده است. همچنین این اقدام باعث می‌شود نوسانات قیمت نفت نیز اثری بر بودجه کل کشور نداشته باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که ایران وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد به طوری که می‌توان عنوان دولت نفتی به آن داد اما در مقابل نروژ با وجود اینکه یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت می‌باشد درآمدهای نفتی آن، نقش بسیار کمی در تامین بودجه دولت ایفا می‌کنند، بنابراین ایران باید وابستگی خود به درآمدهای نفتی را کاهش دهد.

منابع

- ابراهیمی، سجاد. (۱۳۹۰). «شوکه‌های قیمت نفت و نوسانات نرخ ارز و نااطمینانی حاصل از آنها بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب». *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*. شماره ۵۹. ۱۰۶-۸۳.
- افروز، احمد و سوری، علی. (۱۳۸۳). «اثر ثبات و نوسانات صادرات نفت بر رشد اقتصادی ایران». *پیک نور*. دوره ۲. شماره ۴ (ویژه اقتصاد). ۱۱۰-۱۰۳.
- بابازاده، بهزاد. (۱۳۹۲). «نروژ؛ تنها کشور نفتی توسعه یافته؛ چرا؟». *روزنامه اندیشه اقتصاد*. شماره ۳۰۸۱.
- ترکمانی، علی دینی. (۱۳۹۴). «نفت، طلای سیاه یا بلای سیاه». *روزنامه دنیای اقتصاد*. شماره خبر ۸۶۹۶۶۸.
- توسلیان، زهرا. (۱۳۹۳). اقتصاد سیاسی رانتیرسم و امکان سنجی تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. پایان نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی.
- تهرانی، فرشاد. (۱۳۸۴). «تجربه کشور نروژ در مورد متنوع‌سازی اقتصادی صنعت نفت و کاربردهای آن برای ایران». *مجله مطالعات اقتصاد انرژی*. شماره ۷. ۷۴-۷۲.
- حاجی میرزایی، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۵). «بررسی ضرورت و اهمیت تنظیم جریان ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد ایران». *فصلنامه بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی*. سال دوم. شماره ۳. ۳۱-۴.
- حاجی یوسفی، امیر محمد. (۱۳۷۸). *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی یزدی و دیگران. (۱۳۹۴). «بررسی تاثیر درآمدهای بالای نفتی بر توسعه کشور نروژ با استفاده از تحلیل عملکرد». *ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز*. شماره ۱۲۳. ۲۴-۱۹.
- حسینی، سیدمصطفی. (۱۳۸۹). دولت رانتیر و انقلاب اسلامی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. بابلسر: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
- حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۷۹). *آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران*. تهران: موسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر.

- حشمتی مولایی، حسین. (۱۳۸۳). «اقتصاد ذخایر ارزی انتخاب ناگزیر جوامع اسلامی». *فصلنامه بانک صادرات ایران*. شماره ۲۹، ۲۰-۲۹.
- راغفر، حسین و ابراهیمی، آزاده. (۱۳۸۷). «نابرابری درآمدی در ایران طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۸۵». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. شماره ۲۸، ۹-۳۴.
- روشنی، حمید محمد. (۱۳۹۵). «اثر درآمدهای نفتی بر نقدینگی ایران، با تاکید بر نقش صندوق ذخیره ارزی». *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*. شماره ۲۳، ۵۹-۷۴.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۴). قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۶۸). قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۳). «مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه». جلد اول و دوم.
- سلطانی، علیرضا و حشمت پور، علیرضا. (۱۳۹۵). «ساختار مدیریت درآمدهای نفتی در نروژ و گذار از دولت رانتیر». *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*. شماره ۳۴، ۱۹۷-۲۳۰.
- شیرکوند، فاطمه. (۱۳۸۲). «درآمدهای نفتی ایران و ایجاد رانت‌خواری، حذف رقابت». *ماهنامه سیاسی، اقتصادی، مسائل اجتماعی*. شماره ۱۴۹، ۴۸-۵۲.
- صادقی، حسین و بهبودی، داوود. (۱۳۹۱). «صندوق ذخیره توسعه و عمران ملی». *دو ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*. شماره ۵۱-۵۲، ۲۳-۵۲.
- صندوق توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). بررسی جایگاه صندوق‌های ثروت ملی در ایران و جهان.
- صیادی، محمد و بهرامی، جاوید. (۱۳۹۴). «ارزیابی اثرات سیاست‌های سرمایه گذاری درآمد نفتی بر متغیرهای عملکرد اقتصادی در ایران: رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا (DSGE)». *پژوهش‌نامه اقتصاد انرژی ایران*. دوره ۴، شماره ۱۶، ۸۵-۱۳.
- علی نژاد، محمد. (۱۳۹۵). «وایکینگ‌های مرفه». *هفته نامه تجارت فردا*. شماره ۱۷۶.
- فولر، گراهام. (۱۳۷۷). *قبله عالم*. ترجمه: عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۷۴). «اقتصاد سیاسی کشورهای صادر کننده نفت». ترجمه: علیرضا طیب. *اطلاعات سیاسی اقتصادی*. شماره ۹۵ و ۹۶.

کارآفرین. (۱۳۸۶). «راه نروژی، تدبیر کویتی». شماره ۵۶.

کرم زادی، مسلم. (۱۳۹۱). «وابستگی به درآمدهای نفتی، بی ثباتی در سیاست و توسعه اقتصادی در ایران». *فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت/انقلاب اسلامی*. شماره ۲۱. ۴۹-۶۸.

کمالی دلفاریدی و دیگران. (۱۳۹۴). «بررسی عملکرد دولت‌های رانتیر در دو حوزه ی توسعه اقتصادی و سیاسی». کنفرانس بین‌المللی اقتصاد سبز.

کیان پور، سعید. (۱۳۸۹). «بررسی حساب ذخیره ارزی در ایران در مقایسه با تجربیات صندوق‌های نفتی سایر کشورها». *بررسی‌های بازرگانی*. شماره ۴۳. ۷۸-۹۵.

محمدزاد، اصغر و مصلی نژاد، عباس. (۱۳۹۵). «برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)؛ زمینه‌ها، اهداف، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها». *فصلنامه راهبرد*. شماره ۷۹. ۱۷۶-۱۵۷.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۵). «گزارش ارزیابی عملکرد حساب ذخیره ارزی ۱۳۷۹ لغایت ۱۳۸۵».

نجفی، کرم. (۱۳۸۳). «تاثیردرآمدهای نفتی بر سیاست‌های اقتصادی ایران در دهه ۶۰ و ۷۰». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران.

یوسفی، مهدی. (۱۳۸۴). «گزارش کشوری انرژی: نروژ». تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

References

- Abdullah Kaya, Evren Tok & et al. (2019). Article Economic Diversification Potential in the Rentier. *States Towards for a Sustainable Development*.
- Adib Bazgir. (2018). *Economic and political pathology of rentier governments in the Middle East Book*. August, Publisher: Padina Publication.
- Askari, Hossein & Jaber, Mohamed. Oil Exporting Countries of the Persian Gulf: what Happened to all that Money. *Journal of Energy linance and Development*.
- Beblawi, Hazem Al and Luciani, Giacomo. (1990). The Rentier State in the Arab World. in Luciani, G. *The Arab State*. London: Routledge.
- Demesquitabueno, Alastair, Smith Bruce, Randolphm Disch ,Arne. (2013). Norway's Oil for Development Program. Oslo, Scanteam. on <http://www.oecd.org>.
- Essays, UK. (November 2013). The Dutch Disease: Lessons from Norway. on <https://www.ukessays.com/essays/health-and-social-care/dutch-disease-lessons-norway-1468.php?vref>.

- Jones, walter.s. (1991). *The Logic of International relations*. Newyork: harper Collins publishers Inc.
- Kamrava, Mehran. (2003). *The Politics of Weak Control : State Capacity and Economic Semi – Formality in the Middle East*. Georgetown: Georgetown University Press.
- Kamiar, Mohaddes, M.Hashem, Pesaran. (2012). One Hundred Years of Oil Income and the Iranian Economy: A Curse or a Blessing?. *CESifo Working Paper*, No. 4118.
- Mgandaluma, Evarist. (2014). Natural Resources Managment, Harare, MEFMI. on <http://www.mefmi.org/images>
- Murray, Cameron. (2010). Fresh Economic Thinking . The Norwegian solution to Dutch Disease . Wednesday, April 7.
- Norwegian Ministry of Finance. (2011). The Management of the Government Pension. on <https://www.regjeringen.no>
- Ross , Michael. (April 2001). Does Oil Hinder Dmocracy. *World Politics*, Volume 53, Issue 3.
- Shatha Khalil. (2018). *The Rentier Mentality of the government destroys the Iraqi economy*. Rawabet Center for Research and Strategic Studies. <http://www.daneshenaft.ir-10920>
- <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-595652>
- <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-770804>

